



روزنامه انتشار یكشنبه - سه شنبه - پنجشنبه ۹۸۱۷

یادداشت دولت شوروی بدولت ایران

روزنامه نیرد میونسو که نمایندہ دولت شوروی بدولت ایران یادداشتی فرستاده در آن بر علیه نمایشات ضد شوروی که با تشریح اشخاص مقنون در اسفهان انجام گرفته جدا اعتراض کرده است

برای منابع فردی و آئی خود اسباب کمورت مساجدگان غیور و رشید اورا فراهم بیاورند

مغمو صادر فراریدین صاحبو تشکرکل کفراس بیواللی سانفرانسسکوآن هوما غطرات دوستی ملل اتحادجامهری شوروی بیشتر از است که دولت بخواید به پناه پاس اشترام ویسی اسلاطین باقی درصفا

کریم کشاورز

یک قدم جدی بر ای تأمین دامو گراسی

اصلاحات ارضی در رومانی

در شماره بعد از تعینل آذربا شرح اوضاع پانده روز جهاناز موضوع توشیازاضی برارینالکن و معیارستان و تونان گفتگر شد

خین تقسیم باین نوعی که مساحت زمین سه دو اغلب مولود به استیجاه هکنار بالغ میگردد از صادره معاف میباشد

اخبار مهم

وزارت کشور لاجات میکند

مدتی است انتظایات اجین شهرداری اردیل در زجان طبق مقررات و قانون تمام شده ولی وزارت کشور حاضر نیست اعضای اجین را معین کند

بشنی از روزنامه خورشید که اخیرا بطهران رسیده متن کمال از را طریح رسانده است

دوند گپها هر جیبا

امروزه در دواغ هوجبران تهران دوند گپهای شدیدی مشاهده میشود کلابرداران اجنبی در صفا ای مختلف شهروان در یودن کلاماکن تهران نقشه میکنند

طریق اطلاعاتی که در شماره های سال اول آزر گزارش دادیم قسمت اعظم خالصهات و املاک و تیرا روزمانه ساد س منقلدین و اشتران نمایندگان مجلس آرزویشواریانچیز بود و در انتخاب کردهاند که برای ما معانی بود که حفا میباشند بلا عوش و تشابیح از زمین بی ضمانت گذاشته دود از قرار معلوم دولت لاجهای مرضی و طویل بچلیس برده میبخواهد بقیه السیف آرا را هم غطرات برساند ان لاجه در تحت ۱۷ ماده ۱۳۰

کوجکترین ملتها

بنا نوشته روزنامه وطن بولوندا کوجکترین ملل اتحاد جماهیر شوروی آلتونی ها هستند که در شمال ایلیاس اطلس در جزایر (توماسو) زندگی میکنند اینها فقط ۳۰ نفر هستند

این کارها را بین اجنبی این دولت میتوانست انجام بدهند این قبیل اواح را باید بدست گیری ایکنند و دولت تصویب نماید که اعضای آنها خود نظر و ضدی نداشته باشند دولت و مجلس امروزی ما را

بقلم ارباب زاده

میدر روزنامه آرمان مان

بهدان وقایع هفتم فروردین

میدر یازدهم فروردین از تهران خارج شدم دو تم هفتم که کلاب حزب توده بوسیله مشتی رجاله و میزور بناترفته و اثبات و دود بیکر آن دهم خورده شده است بی درنگ راه آنجا پیش گرفتیم

معتاد بودم همچنانکه نواصی آن را با دیده انتقاد می نگرم از مشاهده مناجات و حرف های مثبت و مدیه آنرا در محاسن و چون انصافه سرکاران پیشین و حزب توده اسفهان را که مرگ از طبقات مختلفه کالگری است و بی روی ایلیک منافع اجنبی با بکندیکن دست به هم داده اند سته وانی حزب می دانستم لذا مایل بودم که لااقل برای روشنی ذهن خود بده روزی در دو معاشرت آن دسته بگزارم و از دیده ایمان و عقیده خبری آن ها اطلاع پیدا کنم

ساعت ۷ صبح جمعه ۱۰ فروردین بود که به اسفهان وارد شدم دو تریا نخستین پیش من آن ها کالگری کلاب بود که گنتم حزب توده آرا بود و این شهر فوت و نبودی دارد و نمایش میکنند یا شیر ...

مرا بخیر تو امید نیست شر هراس

ژورنال و ادب و سیاست

قطعه عشق

ما را با همان لمن بخت گشت
 - اما گرفتار مرد -
 - آری ما را - آن بهائی است که ما برای بیروزی میبرادیم ...
 میادیم ای بهای بیروزی - هم گریه ام دیگران ...
 ما را بصدای بلند و شمرده گفت:
 - اما ترونا ای -
 سپس با یکتبه و نیرت و برونه میگرد -
 گوئی شاه مرش صورت بزرگ و اورنوف را گرفتار گفت:
 - ما را تو که بهمانی -
 آری ما را بفرمانی میباشند - قلبش سستی مریض بود - باضانه بزرگ
 بود - جراح منجم بود و خدمت که از دستش میبرادند - بهوش رچی انجام
 میداد و آنجا که جرحش بیش از همه شوری بود دیگر میگردد -
 معلوم نیست چرا ما را از این همه که چوهره بزرگ را بر او برودت
 رفت میبرد - دستش اورنوف از زمین آسمان کرده - میدان را بهیضت بر
 آورد سینه شد آرزو شد نام سازد - بتانق - با زلفی آزارش برساند - بطوقه
 در وسطه خود است - تا بتراند بشتر صدمه ای بزند ...

او بریده و بیچاره میبود - بود - اما پیش خود لاله پند که خدا
 میبایست در میان بشارت میآورد - بسوزد ولی بر یکی از اینها - او - که منحص
 بزرگی است - او که گذشت و بگنود اورنوف نام داد و همه میبودند در
 مقابلش میآوردند - اینطور با نالاکت و بیچارگی در مقابلش نشسته - متادلی
 و خوش و درخشند نیز در باغش از افکت بود - و او نشاند با کاهان
 بالا جاسانه بافته بطراز منمکی میآورد - میبرد -
 ناگهان اندیشه اش آتش گرفته - بروی گذشته است نکاش داد -
 کوهی تیری سرش فرمود آورده اند -
 کرده - ناله زاری به من گفت گوید که - اورنوف بر -
 خاست گردید - ما را به نعت سر باز زد ولی بالا بیاورد و او را
 غرضه آرزو اش می لرزید و دادش هایش بر لبه نجان می خورد - و او
 تنسوف گفت:
 - اکنون خواهی خوابید -
 سپس بنوی دیگری بر پیشانی اشافت و بالشی زیر سرش گذاشت -
 در کاشش که از افکت نیز شده بود بنه شد - و اورنوف در سگارش نشد و
 دستش را بدست گرفت و تکرست که چگونه بفرماند - تمام بدن ما را
 کاهمانه در چار تنه میبکشد - گوته هایش از سرفه خیس بود - من هعی
 روشن و درخشند نیز در باغش از افکت بود - و او نشاند با کاهان
 س کرد که تنها آرزویش اینست که لبریا بین موهام آشنا سازد ولی او
 کینه دروی بر گرداند -
 اورنوف و فرخات و نردیک بیره رفت - باران وز و نافی میبارید
 در جراط تریچند با او موپای بازی و میرفتند - در نطقات و یون خانه با یک
 حرکت کیه ای را بری پشت افکند و اورنوف دیده که چگونه پیش پای
 و تنسی کرد - در گوی خواست از گردن آلی برد و نواست - بخت زدنوی
 آید آب زیر پاهایش فواره زد مرتی که کیه به پشت کرده بود فانه افتد
 و سبب او گشته اند هانش می از دور جرم شکست و اورنوف
 ...

کل عشقیده از لای کتاب افتاد - اما این کل زرد و مرده در کنار
 حنکل - در سایه درختان سرسبز و زیاده زندگی میبرد و بیشکات و از درون
 بر گهای تیره گشوده - بگلهای دیگر منکرتست و وراجه طهارت کین و تندرستین
 شور و زاری در آید - زمانی که هنوز از بر گهای خنک بارنه بود - رویش
 می خورد - اما این ای را باقیه را گرفت و باقیه گشته بود و افتاد - و مرطوب
 و بر از این همه وسایه - با آن کوفه که لب زمین گزلی از خواب میبید و بالای
 بیاد میبود آنگار بود رسیده - انگشتان دروغه گل بینم کنار زیبا
 بیز - با خاستن صاف و دوخته شده - در میان سایه های نرم رسیده انگشتان
 کل میبارد بر کندند -
 بیاد آورده ای این کل لای کتاب ماند - بیاد روزی که بارها دیگر
 گذشت ولی طهارت کل دروغه شکی شبنم و برن آبریش برگان آرا از ره
 های دیگر جانی سادست
 آری چنین روزی گلی نیز وجود داشت - روزی که از آن ساربا
 و گریخت بود -
 اکنون فقط اثر زب - سایه گریزان خاطرهای بی اعتبار - تا هزار بند
 آن - است همانی خوش و باز نکشفت در دستش بود -
 سبب ساید اطمنی زود شده - گرد خنک و رین کنده - رود خزان
 خیره خدی چشم دیگر در آن وجود نداشت - طهارت فراز کرد و چای
 سر زی فرخیش بر یک زنگهای شعله مانند تار منکبتون نشد - با رنگ
 زرد خاکستری در آمده - شفاف گشته و به صورت بیابان در
 آمده بود -
 در وگل
 - ما را - چه چکنی
 باز چشمانی را که نهد متوجه او و تنسوف کرد - فراموش کرده
 بود که او هم وارد بود - فراموش کرده بود که او اطمنی نشد - است - او
 نشد بود - او چنانش از نگاه دقیق و نمدل نا پذیرش می نمود و سرانجام
 موهام بر ما را با گفت

خبرهای جهان

درجهه کورنیتس برگ
 مسکو - خبرگزاری فرانسه اطلاع میدهد که اعلامیه امروز صبح شوری
 متمر بر آستیکه برای جبهه سوم روسیه
 مدعی است از یک روز بعد اولین استنکامات
 تمامی نیرومند دشمن را درهم باشیده
 و پنج کوی شهر کویسکیرک را اشغال
 کرده است

وامه های دیگر که از جنوب شهر
 جبهه برده پنج مصله و استنکامات آن
 و بنظر آن تصرف کرده قوای ما از ترک
 گذشته و به نیروها - که از دست همال
 گذشتی می آید ملحق شدند -
 در پی این هملایت گروه مطبوعی از
 مدافعین شهر و با نیروی آن محاصره
 کردند -

بازو شد ۱۵۰۰ تن از قوای
 دشمن در شرق ما را بر سرافند -
 بخش برساو بکنار ما شد - بنظر
 لافد کردن با دکان محصور ختم ادامه
 داشت -

مرکس لاشتن تپامیت
 مرکز ستاد ارتش اول آمریکا -
 خبرگزاری فرانسه - میگوید
 که بل نزدیک ما اولفک به سلطان
 دپامیت آلمان بسین ایستک خبر یافت
 که کلر خانه بزرگ وی بدست ارتش
 اول آمریکا افتاده است مسکنه کردی که
 شصت و نهین مرحله زندگی را امروید
 مدبر کلر (تپامیت) در جنگ استنکامات
 بود که ما را از نیروی و کوه کوهانی نام
 داشت در حقیقتی جانشین مترجم است
 دپامیت و سینه چایز نو بول بود

کابینه جدید یونان
 آن خبرگزاری فرانسه میگوید
 که کابینه جدید یونان بکار آید تشکیل
 بامت
 در اسالاولیکاروس نعت وزیر
 وزیر برانج - این ستاد و رئیس -
 ما و کاسکیس کنور - پروموتور -
 بولس - داد گسری - اسپا -
 بولس - بهداری ازیبسی کاوروزی
 جراح - نسور کاسیاس -
 پروموتور - کاپیتوس -
 پروموتور - یانوس -
 امور خارج - تازا گت -
 از سان فرانسسکو معلوم خواهد بود
 رابطه خود

استیکم بزار اظهار خبر کوهی
 شوری در تپامیت و هالی موهام خرابی
 منتشر ساخته است -
 پنج آژور دولت سوله ترومب گرت
 سته - یادوت چکر اسالوا کوی سیاسی
 بزار - سده بطوریکه در سینه
 هیال دولت سورا - هر گرت روابط
 رسمی را با دولت اساراکلی قطع کرد

قتل فرماندار نظامی وین
 در خبر کورنیتس برگ
 میدهد بدین که در ایودیر خبر داد
 ژانر دولتی فرما شده نیروی آلمانی
 در وین پس از ساعت ۱۰ در ۱۰ در ۱۰
 بربند شد - هر طایفه که از وین
 بروی زده شد - به قتل رسیده است

- هیچ هیجین
 کل خشک بود - در دست داشت - در کف دستش نهاده بود - گوی
 می فرماید وین - او بر سر سینه بود - آیا امکان داشت که گوی
 بر لایچ از روزی آن لدر گراس می داشت -
 آیا واقعا این کل دوری و تک و بی خوش و زبانی داشت آنروز -
 آن روز کیم شده - سکه - گذشته - دیگر هیچ گاه بار پس ناه
 گویاست -
 هر چه می باشد این کل کوچک را بچینه - در سر نهد تا معلوم و سلیقه
 نام و گذشته و لایچ و ستر آگین آن مداخله کند -

تغییر محل آژور

اداره روزنامه آژور بمحل جدید در اول خیابان فر دوسی از میدان سپه دست چپ جنب چاپخانه نو انا منتقل شد

۰ = ۲

پانچ تر کبه با اتحاد جناحی شوری
 لندن - خبرگزاری فرانسه خبر می دهد که با توافق تر کبه در پاسخ قبول اتحاد جناحی شوروی راجع بانای میان میطر ای طرف اتحاد جناحی شوروی لغت فوق العاده اعلام بنظر میرسد -

زیرا فقط بهیمنانی که در نتیجه دومین جنبه بین الهالی بدید - اداره شده و تایید شده است که فراداد لایبره - هیچ روی بارشخون بیست سال کار میبرد و ستاندر میگر است -
 یاد داشت دولت تر کبه سپس میل دولت ترکیه را بنصحه مانت - اتحاد میجواری و درستی خود در تهران و کثور برین -
 سرهده است بوسم بیوسته تا تاریخ یکصد و شصت و شش دولت تر کبه پیشینداده دولت اتحاد جناحی شوروی را در برابر انضای فراداد جدیدی که با نمانع ملل مطابق تر و داخل اصلاحات مهمتری باشد قبول نموده و تاریخ کرده است - که دولت ترکیه حاضر است با نهایت دقت و حسن تقادم پیشینداده شوری را در این خصوص مورد مطالعه قرار دهد - بنظر می آید که مهم روش میباشند -

اولا ملل ملامت شوروی که سلیع سار بر سر تر کبه در مسکو برای دولت خود آورده است که او اینک سلف کبیر ترکیه در مسکو دولت کسی وقت برای وزیر امور خارج ترکیه حسن سفا که باقی باقی استیکور برود در دوم تیر سیاسی ترکیه که می نواست قضایان در نظر گرفتند و درین سال رفته های خود را با انگلیس که پس از استانی اعلامیه دولت ملل طرف از طرف دولت ترکیه و در اعلان جنبه آن ملل و این تقویت گردیده است -
 فرانس

نطق نخست وزیر ژان
 از این خبر می دهند که در روز هیت دولت سوروگی نخستین جلسه خود در انگلیس داد -
 در سال اول سوروگی که برابر دادو بیایمی بهن سپهان خود فرستاد -
 شین اتحاد داشت اوضاع صحت بحالی و جای هیچگونه خوشبینی نمانده است -
 زیرا با این موضوع فراموش کرد که با بود دولت بسیار برینده چون بی انگلیس و آمریکا در جنگ و چالیم -
 سیکلی موری توبو که در کابینه کورنو وزیر امور خارج و سلیع کبیر و این در مسکو برود کابینه سوروگی آمد و ست وزارت امور خارج گردید -

باید فراموش کرد که رژیم کمالی باشا دو آه و دو خود از طرف اتحاد جناحی شوروی در نظر الهالی شده است -
 نخستین دست دیپلماتی که از طرف میس ملی کبیر ترکیه قبول از اعلام چه در ترکیه است کورنیتس که در نامه تر کبه شوروی بود که پس از آن همه جنب شوروی فرانسو در تلویح بیست و یکم اکتبر ۱۹۲۱ با ضامه رسیده و بنابر این دوستی قدسی که آسانی از میان رفتی نیست و بهین جهت است که تر کبه -
 وظیفه دیپلماتی محافظت بنا ما رسیده دارد با دیگر ملل خود را مصلحتان دوستی خویش با همسایه بیرون نموده تأیید کرده است -

تسلیم سی هزار ژاپنی
 دهلی میدهد - خبرگزاری پارس خبر میدهد که جزیر اوکیاوا برای آمریکا به پایتخت رها برده می شود -
 در پیش شال جزیر سی هزار نفر از اهالی غیر نظامی از این سرخدها را و بیرونی آمریکا می نهد و با وزارت شد -

باید فراموش کرد که رژیم کمالی باشا دو آه و دو خود از طرف اتحاد جناحی شوروی در نظر الهالی شده است -
 نخستین دست دیپلماتی که از طرف میس ملی کبیر ترکیه قبول از اعلام چه در ترکیه است کورنیتس که در نامه تر کبه شوروی بود که پس از آن همه جنب شوروی فرانسو در تلویح بیست و یکم اکتبر ۱۹۲۱ با ضامه رسیده و بنابر این دوستی قدسی که آسانی از میان رفتی نیست و بهین جهت است که تر کبه -
 وظیفه دیپلماتی محافظت بنا ما رسیده دارد با دیگر ملل خود را مصلحتان دوستی خویش با همسایه بیرون نموده تأیید کرده است -

باید فراموش کرد که رژیم کمالی باشا دو آه و دو خود از طرف اتحاد جناحی شوروی در نظر الهالی شده است -
 نخستین دست دیپلماتی که از طرف میس ملی کبیر ترکیه قبول از اعلام چه در ترکیه است کورنیتس که در نامه تر کبه شوروی بود که پس از آن همه جنب شوروی فرانسو در تلویح بیست و یکم اکتبر ۱۹۲۱ با ضامه رسیده و بنابر این دوستی قدسی که آسانی از میان رفتی نیست و بهین جهت است که تر کبه -
 وظیفه دیپلماتی محافظت بنا ما رسیده دارد با دیگر ملل خود را مصلحتان دوستی خویش با همسایه بیرون نموده تأیید کرده است -

